

روزگار در کف دست است



معاونت پژوهش و فن آوری به نام خدا منشور اخلاق پژوهش

- با یاری از خداوند سبحان و اعتقاد به این که عالم محضر خداست و همواره ناظر بر اعمال انسان و به منظور پاس داشت مقام بلند دانش و پژوهش و نظر به اهمیت جایگاه دانشگاه در اعتلای فرهنگ و تمدن بشری، ما دانشجویان و اعضاء هیئت علمی واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی متعهد می گردیم اصول زیر را در انجام فعالیت های پژوهشی مد نظر قرار داده و از آن تخطی نکنیم:
- ۱- اصل حقیقت جویی: تلاش در راستای پی جویی حقیقت و وفاداری به آن و دوری از هرگونه پنهان سازی حقیقت.
 - ۲- اصل رعایت حقوق: التزام به رعایت کامل حقوق پژوهشگران و پژوهیدگان (انسان، حیوان و نبات) و سایر صاحبان حق.
 - ۳- اصل مالکیت مادی و معنوی: تعهد به رعایت کامل حقوق مادی و معنوی دانشگاه و کلیه همکاران پژوهش.
 - ۴- اصل منافع ملی: تعهد به رعایت مصالح ملی و در نظر داشتن پیشبرد و توسعه کشور در کلیه مراحل پژوهش.
 - ۵- اصل رعایت انصاف و امانت: تعهد به اجتناب از هرگونه جانب داری غیر علمی و حفاظت از اموال، تجهیزات و منابع در اختیار.
 - ۶- اصل رازداری: تعهد به صیانت از اسرار و اطلاعات محرمانه افراد، سازمان ها و کشور و کلیه افراد و نهادهای مرتبط با تحقیق.
 - ۷- اصل احترام: تعهد به رعایت حریم ها و حرمت ها در انجام تحقیقات و رعایت جانب نقد و خودداری از هرگونه حرمت شکنی.
 - ۸- اصل ترویج: تعهد به رواج دانش و اشاعه نتایج تحقیقات و انتقال آن به همکاران علمی و دانشجویان به غیر از مواردی که منع قانونی دارد.
 - ۹- اصل براءت: التزام به براءت جویی از هرگونه رفتار غیرحرفه ای و اعلام موضع نسبت به کسانی که حوزه علم و پژوهش را به شائبه های غیرعلمی می آلاینند.



معاونت پژوهش و فن آوری

به نام خدا

تعهد اصالت رساله یا پایان نامه تحصیلی

اینجانب پرستو هزارخانی دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد در رشته حقوق گرایش خانواده که در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۷ از پایان نامه خود تحت عنوان "تأثیر سلب فرزندخواندگی در روابط بین فرزندخوانده و سرپرست" با کسب نمره دفاع نموده ام بدینوسیله متعهد می‌شوم:

این پایان نامه حاصل تحقیق و پژوهش انجام شده توسط اینجانب بوده و در مواردی که از دستاوردهای علمی و پژوهشی دیگران (اعم از پایان نامه، کتاب، مقاله و ...) استفاده نموده ام، مطابق ضوابط و رویه موجود، نام منبع مورد استفاده و سایر مشخصات آنرا در فهرست مربوطه ذکر و درج کرده ام. این پایان نامه قبلاً برای هیچ مدرک تحصیلی (هم سطح، پایین تر یا بالاتر) در سایر دانشگاه ها و موسسات آموزش عالی ارائه نشده است.

چنانچه بعد از فراغت از تحصیل، قصد استفاده و هرگونه بهره برداری اعم از چاپ کتاب، ثبت اختراع و ... از پایان نامه داشته باشم، از حوزه معاونت پژوهشی واحد مجوزهای مربوطه را اخذ نمایم. چنانچه در هر مقطع زمانی خلاف موارد فوق ثابت شود، عواقب ناشی از آن را می‌پذیرم و دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق مجاز است با اینجانب مطابق ضوابط و مقررات رفتار نموده و در صورت ابطال مدرک تحصیلی ام هیچگونه ادعایی نخواهم داشت.

نام و نام خانوادگی:

تاریخ و امضاء



دانشگاه آزاد اسلامی

واحد نراق

پایان نامه برای دریافت درجه کارشناسی ارشد (M.A) در رشته حقوق گرایش خانواده

عنوان:

تأثیر سلب فرزندخواندگی در روابط بین فرزندخوانده و سرپرست

استاد راهنما:

دکتر سید مهدی جلالی

نگارش:

پرستو هزارخانی

تابستان ۱۳۹۷



دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق

فرم صورت جلسه دفاع

موضوع پایان نامه: تأثیر سلب فرزندخواندگی در روابط بین فرزندخوانده و سرپرست

کد شناسایی :

با تاییدات خداوند متعال، گواهی می شود که جلسه دفاعیه پایان نامه خانم پرستو هزارخانی دانشجوی رشته حقوق گرایش خانواده ورودی ۱۳۹۵ به شماره دانشجویی ۹۵۰۴۸۲۹۲۴ نیمسال انتخابی در تاریخ ۱۳۹۷/۶/۲۷ روز ساعت در دانشگاه آزاد اسلامی واحد نراق برگزار شد و پس از بررسی و تبادل نظر به شرح ذیل طبق رای هیات داوران حاضر در جلسه با نمره به عدد (از ۱۸ نمره) و به حروف و با درجه به تصویب رسید.

استاد راهنما: دکتر سید مهدی جلالی

استاد مشاور: دکتر داشتن استاد مشاور

استاد داور ۱: دکتر سعید شریعتی

استاد داور ۲: دکتر محمدرضا معین

مدیر گروه:

نماینده دفتر تحصیلات تکمیلی: آقای رضا حسینی

معاون پژوهش و فناوری: دکتر محمدحسین پوریانی

سپاسگزاری

حمد و سپاس بی کران خداوند متعال را که توانایی انجام این پروژه را بر من سهل و ارزانی داشت. پروردگارا، سپاسگزارم که چراغ علم را فراروی زندگی ام قرار دادی. بر خود لازم می دانم به مصداق حدیث شریف " من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق " از تمامی عزیزانی که مرا در تدوین این پژوهش یاری دادند تشکر و امتنان داشته و از خداوند متعال سلامتی و توفیق آن ها را آرزومندم.

بر من فرض است ابراز سپاس بی حد از استاد عزیزم، معلم اخلاق، جناب آقای دکتر سید مهدی جلالی در مقام استاد راهنما که در طی این پژوهش با متانت و دقت نظر با راهنمایی های عالمانه و روشنگرانه انجام تحقیق را تسهیل نمودند تقدیر، تشکر و سپاسگزاری می نمایم.

تقدیم به

همه کسانی که دوستشان دارم.

خدایا توام ده تا قطره ای از دریای بی کران محبت این عزیزان را جبران کنم.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	چکیده
۲	مقدمه
۲	۱- بیان مسأله
۴	۲- اهمیت و ضرورت تحقیق
۵	۳- سوابق تحقیق
۷	۴- اهداف تحقیق
۷	الف. هدف اصلی
۷	ب. هدف کاربردی
۷	۵- سؤالات تحقیق
۷	الف. سؤال اصلی
۷	ب. سؤال فرعی
۸	۶- فرضیه تحقیق
۸	الف. فرضیه اصلی
۸	ب. فرضیات فرعی
۸	۷- ساماندهی تحقیق
۸	۸- روش تحقیق

فصل اول: کلیات تحقیق

۱۱	مبحث اول: مفاهیم
۱۱	گفتار اول: فرزند
۱۱	بند اول: مفهوم لغوی
۱۱	بند دوم: مفهوم اصطلاحی
۱۲	گفتار دوم: فرزندخوانده
۱۲	بند اول: مفهوم لغوی
۱۲	بند دوم: مفهوم اصطلاحی
۱۲	گفتار سوم: مفهوم فرزندخواندگی
۱۲	بند اول: مفهوم لغوی
۱۲	بند دوم: مفهوم اصطلاحی
۱۲	گفتار چهارم: سرپرست
۱۲	بند اول: مفهوم لغوی

بند دوم: مفهوم اصطلاحی	۱۳
گفتار پنجم: حضانت و نفقه	۱۳
بند اول: مفهوم لغوی	۱۳
بند دوم: مفهوم اصطلاحی	۱۳
گفتار ششم: سلب	۱۴
بند اول: مفهوم لغوی	۱۴
بند دوم: مفهوم اصطلاحی	۱۴
مبحث دوم: سیر تحول قانونگذاری فرزندخواندگی در جوامع و ادیان مختلف	۱۴
گفتار اول: سیر تحول فرزندخواندگی قبل از تفنین در ایران باستان	۱۵
بند اول: فرزندخواندگی از منظر آئیننامه احوال شخصیه زرتشتیان ایران	۱۵
بند دوم: فرزندخواندگی از منظر مقررات احوال شخصیه مسیحیان پروتستان ایران	۱۶
بند سوم: فرزندخواندگی از منظر مقررات احوال شخصیه ارامنه گریگوری ایران	۱۶
گفتار دوم: سیر تحول فرزندخواندگی در ادیان مختلف	۱۷
بند اول: فرزندخواندگی در زمان حضرت موسی	۱۸
بند دوم: فرزندخواندگی در مسیحیت	۱۸
بند سوم: فرزندخواندگی در اسلام	۱۹
الف) فرزندخواندگی در پیش از اسلام	۱۹
ب) فرزندخواندگی پس از بعثت پیامبر	۱۹
گفتار سوم: سیر تحول فرزندخواندگی بعد از تقنین	۲۲
بند اول: فرزندخواندگی در آئینه کنوانسیون‌های بین‌المللی	۲۲
بند دوم: بررسی قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست (مصوب ۱۳۵۳ش)	۲۵
بند سوم: بررسی قانون حمایت از کودکان بدون سرپرست و بدسرپرست (مصوب ۱۳۹۲ش)	۲۶
مبحث سوم: تشریفات قانونی فرزندپذیری	۲۷
گفتار اول: نحوه واگذاری طفل و مرجع صالح	۲۷
گفتار دوم: شرایط فرزندپذیر	۲۸
گفتار سوم: شرایط فرزندخوانده	۲۹
فصل دوم: آثار و پیامدهای حقوقی فرزندخواندگی قبل از فسخ حکم فرزندخواندگی	
مبحث اول: آثار مالی حکم فرزندخواندگی	۳۲
گفتار اول: حضانت و تربیت طفل	۳۲
گفتار دوم: پرداخت نفقه	۳۴
بند اول: دیدگاه فقها در رابطه با نفقه فرزندخوانده	۳۴

- بند دوم: دیدگاه حقوق موضوعه در رابطه با نفقه فرزندخوانده ۳۴
- گفتار سوم: اداره اموال و نمایندگی قانونی فرزندخوانده (ولایت بر فرزندخوانده) ۳۶
- گفتار چهارم: توارث ۳۷
- بند اول: دیدگاه فقها در رابطه با ارث فرزندخوانده ۳۷
- بند دوم: دیدگاه آیات قرآن در باب ارث فرزندخوانده ۳۸
- مبحث دوم: آثار غیرمالی حکم فرزندخواندگی ۴۰
- گفتار اول: اعطای نام خانوادگی ۴۰
- گفتار دوم: ارتباط داشتن فرزندخوانده با محارب نسبی و رضاعی ۴۰
- گفتار سوم: اطاعت فرزندخوانده از سرپرست‌ها ۴۰
- گفتار چهارم: محرمیت و حرمت نکاح ۴۱
- بند اول: محرمیت شرعی فرزندخوانده از دیدگاه شرع ۴۱
- بند دوم: حرمت نکاح از دیدگاه قانون سابق ۴۲
- بند سوم: حرمت نکاح با توجه به تبصره ماده ۲۶ قانون جدید ۴۴
- گفتار پنجم: سایر آثار غیرمالی احکام فرزندخواندگی ۴۵
- بند اول: آثار حکم سرپرستی نسبت به اشخاص ثالث ۴۵
- بند دوم: حکم سرپرستی نسبت به خانواده حقیقی کودک ۴۵
- بند سوم: اثر حکم سرپرستی در رابطه با ازدواج فرزندخوانده ۴۶

فصل سوم: شرایط و نحوه فسخ حکم فرزندخواندگی

- مبحث اول: شرایط فسخ فرزندخواندگی ۴۸
- گفتار اول: موارد مشمول فسخ حکم فرزندخواندگی ۴۸
- بند اول: فسخ حکم فرزندخواندگی مرتبط با شرایط سرپرست ۴۹
- الف) پس از دوره آزمایشی ۴۹
- ب) به درخواست سرپرست ۵۰
- ج) از بین رفتن صلاحیت‌های فرزندپذیر ۵۰
- د) طلاق و فوت یکی از والدین ۵۰
- بند دوم: فسخ حکم فرزندخواندگی مرتبط با شرایط فرزندخوانده ۵۱
- الف) درخواست فرزندخوانده پس از رسیدن به سن قانونی ۵۱
- ب) سوء رفتار کودک ۵۲
- ج) مشخص شدن پدر، مادر، جد پدری یا وصی کودک ۵۲
- مبحث دوم: نحوه فسخ فرزندخواندگی ۵۳
- گفتار اول: تشریفات قانونی فسخ فرزندخواندگی ۵۳

گفتار دوم: صدور حکم فسخ فرزندخواندگی ۵۴

فصل چهارم: آثار فسخ حکم فرزندخواندگی

مبحث اول: آثار مالی ۵۶

گفتار اول: قطع نفقه فرزندخوانده پس از فسخ حکم فرزندخواندگی ۵۶

گفتار دوم: شرایط دادن اموال به نام فرزندخوانده پس از فسخ حکم فرزندخواندگی ۵۷

گفتار سوم: اخذ حکم اداره اموال قانونی فرزندخوانده از سرپرستها پس از فسخ حکم فرزندخواندگی ۵۸

مبحث دوم: آثار غیرمالی ۵۹

گفتار اول: قطع حق حضانت فرزندخوانده از سرپرستها پس از فسخ حکم فرزندخواندگی ۵۹

گفتار دوم: صدور شناسنامه جدید برای فرزندخوانده پس از فسخ حکم فرزندخواندگی ۵۹

گفتار سوم: امکان ازدواج با فرزندخوانده پس از فسخ حکم فرزندخواندگی در قانون جدید (تبصره ماده ۲۶)

..... ۶۰

نتیجه گیری ۶۲

پیشنهادها ۶۸

پیوست ۷۴

چکیده

موضوع فرزندخواندگی و سرپرستی کودکان بی‌سرپرست و بدسرپرست از زمان‌های گذشته مورد توجه همه ادیان و حاکمان وقت بوده است. قوانین بسیاری در این زمینه وضع شد و هر چه می‌گذشت، یا قوانین جدید اضافه و یا در بعضی موارد آن نسخ صورت می‌گرفت که تابع نوع آئین‌ها و رسومی بوده که در هر عصر و زمان معمول بوده است.

پژوهش حاضر، به بررسی تأثیر سلب فرزندخواندگی در روابط بین فرزندخوانده و سرپرست پرداخته است. و هدف اصلی آن «پاسخ به این سؤال است که "پس از سلب سرپرستی، چه آثار، احکام و تبعاتی برای سرپرست و فرزندخوانده ایجاد می‌شود؟" در این تحقیق که شامل چهار فصل بود، در ابتدا پیشینه فرزندخواندگی و چگونگی روش تحقیق و بیان شد. سپس در فصل اول که شامل کلیات می‌باشد، مفاهیم و تاریخچه مرتبط با فرزندخواندگی، در فصل دوم حقوق و تکالیف فرزند خوانده و سرپرست قبل از سلب فرزندخواندگی، در فصل سوم شرایط و نحوه سلب فرزندخواندگی و در نهایت در فصل چهارم آثار سلب فرزندخواندگی توضیح داده شد.

این پژوهش از نظر هدف، بنیادی، از نوع تحلیلی- توصیفی است و از آنجایی که برای گردآوری ادبیات موضوع از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده، بنابراین جامعه آماری وجود ندارد، پس نمونه‌گیری صورت نمی‌گیرد. و نیز فرضیه‌ی تحقیق عبارت است از: "سلب سرپرستی باعث انقطاع روابط مالی و غیرمالی سرپرست با فرزندخوانده می‌شود".

با توجه به نتایج حاصله از تحقیق مشخص شد که پس از فسخ حکم سرپرستی برخی از آثار مالی از جمله پرداخت نفقه تا تعیین سرپرست جدید، یا مورث بودن فرزندخوانده در صورت فوت و وصیت پدرخوانده، به قوت خود باقی است. ولی بعد از تعیین سرپرست جدید پرداخت حق نفقه از سرپرستان قبلی ساقط می‌شود. در مورد آثار غیرمالی نیز بعد از فسخ حکم فرزندخواندگی، حضانت فرزندخوانده پس از تعیین سرپرست جدید، به عهده سرپرستان نمی‌باشد و از آن‌ها سلب می‌شود؛ ولی چنانچه فسخ سرپرستی به دلیل مشخص شدن پدر یا مادر کودک یا نوجوان و یا وصی منصوب از سوی ولی قهری باشد، دادگاه باید راجع به حضانت طفل نیز تعیین تکلیف نماید و هرگاه والدین وی فاقد صلاحیت باشند، سرپرستان قبلی برای حضانت وی در اولویت خواهند بود. و در رابطه با صدور شناسنامه جدید پس از فسخ این حکم، تا زمان تعیین سرپرست یا سرپرستان جدید تغییری در مشخصات سجلی فرد تحت سرپرستی صورت نخواهد گرفت. و نیز ازدواج فرزندخوانده و سرپرست چه در زمان حضانت و چه بعد از فسخ آن، ممنوع است مگر اینکه دادگاه صالح پس از اخذ نظر مشورتی سازمان، این امر را به مصلحت فرزندخوانده تشخیص دهد.

واژگان کلیدی: سرپرستی، فرزندخواندگی، کودکان بی‌سرپرست، کودکان بدپرست، سلب حکم سرپرستی، سلب حکم فرزندخواندگی

مقدمه

یکی از مباحث جالب در رابطه با احوال شخصیه، مطالعه‌ی نهاد فرزندخواندگی و یا نهاد سرپرستی می‌باشد. کودکان این موهبت‌های الهی باید از بیشترین حمایت‌ها برخوردار باشند و نباید منافع و مصالح کودکان را فدای بازی‌های سیاسی یا عدم تدبیر قانون‌گذار کرد. این اصل اساسی را نیز نمی‌توان از ذهن زدود که منافع کودک با منافع والدین آن‌ها گره خورده است (شریعتی‌نسب، ۱۳۹۵: ۱۱). امروز سرپرستی از کودکان بی‌سرپرست به یکی از چالش‌های اجتماعی تبدیل شده است. معضل تحویل طفل از سوی والدین قانونی و طبیعی، به متقاضیان نگهداری فرزند گاه با مقاصد خیرخواهانه و از سوی ترحم و در جهت رفع مشکل عاطفی خانواده‌های فاقد فرزند و از سوی ترحم و در جهت رفع مشکل عاطفی خانواده‌های فاقد فرزند و از سوی اقوام و بستگان آن‌ها صورت می‌گیرد و گاه به صورت غیرقانونی و خلاف اصول انسانی و حقوق بشر و از طریق فروش نوزاد و دریافت وجه تحقق می‌یابد. این اقدامات، منجر به بی‌هویت نمودن این کودکان یا تغییر هویت واقعی ایشان می‌گردد و باعث بروز مشکلات اجتماعی از قبیل فقدان سند سجلی، مشکلات اداری و تحصیلی و غیره می‌شود (همان: ۱۳).

بحث پیرامون فرزندخواندگی سابقه‌ای بس طولانی دارد، اما هدف از این تحقیق بررسی فرزندخواندگی و رای یک دوره‌ی مشخص و خصوصیات مکانی و زمانی خاص است. پژوهش حاضر درصدد بررسی تأثیر سلب فرزندخواندگی در روابط بین فرزندخوانده و سرپرست است. موضوع مذکور از این لحاظ دارای اهمیت است که کشور ایران به دلیل نابسامانی وضع همسایگان خود سالانه پذیرای هزاران مهاجر به خصوص از عراق و افغانستان است.

۱- بیان مسأله

فرزندخواندگی نهاد قانونی است که به موجب آن رابطه‌ی خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادر خوانده به وجود می‌آید. این امر در طول تاریخ حقوق، سابقه نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. این تأسیس حقوقی پس از سیر تحولاتی در حال حاضر به صورت‌هایی کامل و ساده یا ناقص در حقوق کشورهای غربی با آثار متفاوت پذیرفته شده است (توریان، ۱۳۹۵: ۸).

شاید در اولین نگاه چنین به نظر آید که نهاد فرزندخواندگی تأسیسی است مناسب، که در جهت حمایت از اطفال بدون سرپرست پایه‌گذاری شده است و در کنار آن زوجین بدون فرزند هم می‌توانند از این طریق کمبود سعادت خانوادگی خود را جبران کنند؛ ولی می‌توان گفت که حداقل در تمام طول تاریخ و در تمام جوامع چنین تصویری در مورد فرزندخواندگی، کارکردهای مختلفی داشته است. در ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان و اعتبار آن در نزد زرتشتیان، با نفوذ اسلام منسوخ گردید ولی به علت فواید فردی و اجتماعی و نیاز مبرم جامعه و استقرار عدالت و حمایت از اطفال بدون سرپرست تحت عنوان «سرپرستی اطفال بدون سرپرست» با آثار حقوقی مشخصی احیا گردیده است و دو

قانون برای آن وضع گردید. امروزه به دلیل آن که بسیاری از خانواده‌ها امکان داشتن فرزند برای آن‌ها وجود ندارد، فرزندخواندگی در کشورهای گوناگون جهان امری معمول و متداول و رایج می‌باشد و در حقوق کشورهای مختلف راهکارهایی برای حمایت از فرزند خوانده‌ها و خانواده‌های جدید و قدیم آن‌ها راهکارهایی پیشنهاد شده است (همان: ۹).

حقوق ایران نیز با توجه به آن که از منابع اسلامی برگرفته شده نهادی به نام فرزندخواندگی وجود ندارد در عین حال از طریق قوانین دیگری این امر به رسمیت شناخته شده و برای آن شرایط و راهکارهایی بیان شده است با وجود آن که اسلام به صورت گوناگون فرزند خواندگی را رد کرده، در عین حال توجه به یتیمان و افراد بی سرپرست را در دستور کار خود قرار داده و مسلمانان را به آن توصیه فرموده است، از همین روی است که در آغاز اسلام نیز فرزند خواندگی متداول و رایج بوده است (صفایی و امامی، ۱۳۸۹: ۱۱۷).

قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست در سال ۱۳۹۲ به تصویب رسید. قانون مصوب ۱۳۵۳ دارای ۱۷ ماده بود که در این قانون جدید به ۳۷ ماده افزایش پیدا کرده است که مسیر ۳ ساله‌ی را میان ایرادات شورای نگهبان و حل آن‌ها توسط مجلس طی کرده است. در این قانون مواردی که تحقق آن موجب سلب سرپرستی از فرزندخوانده می‌شود، توسط قانونگذار پیش‌بینی شده است (ارفع-نیت، ۱۳۸۹: ۲۵).

آنچه اهمیت دارد پاسخ به این سؤال است که "پس از سلب سرپرستی، چه آثار، احکام و تبعاتی برای سرپرست و فرزندخوانده ایجاد می‌شود؟" به عنوان مثال؛ با توجه به اینکه بر اساس همین قانون سرپرست اموالی را به فرزندخوانده منتقل می‌کند، سلب سرپرستی چه تأثیری در این تملک دارد؟ یا با توجه به اینکه بر اساس قانون فعلی ازدواج سرپرست با فرزندخوانده ممنوع است، آیا سلب سرپرستی می‌تواند این ممنوعیت را ساقط کند؟ یا با توجه به اینکه فرزندخوانده هویت سجلی جدیدی پیدا می‌کند سلب سرپرستی چه تأثیری در این هویت دارد؟

این امر در خصوص امور حقوقی فرزندخوانده نیز قابل تسری است؟ ابهام و سؤال دیگری که می‌توان مطرح باشد مسئولیت‌های مدنی سرپرست و فرزندخوانده تا چه زمانی وجود دارد؟ در تحقیق حاضر سعی بر آن است که پاسخ این سؤالات و شبهات بر اساس قوانین و مقررات موجود و همچنین استفاده از رویه‌ی قضایی، یافته و بررسی شود.

۲- اهمیت و ضرورت تحقیق

فرزندخواندگی در شرایط کنونی و جوامع امروزی، برای استحکام و گرمی بخشیدن به کانون خانواده‌های بدون اولاد و سالم سازی جامعه و رفع مشکلات روحی اطفال بدون سرپرست و کاستن ناهنجاری‌های روانی زنو شوهری که از نعمت فرزند دار شدم محروم هستند، نقش و فایده چشمگیری دارد و از بار مسئولیت دولت نیز کاسته خواهد شد (صفایی و امامی ۱۳۸۹: ۲۴).

قانون "حمایت از کودکان بدون سرپرست" ۳۸ سال پیش تصویب شده و به هیچ وجه پاسخگوی نیاز امروز جامعه ما نبود، به همین جهت قانون جدید تحت عنوان "حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست" سال ۸۸ به مجلس فرستاده شده و در سال ۹۲ به تصویب رسید (ارفع‌نیت، ۱۳۸۹: ۲۶).

بی‌گمان سرپرستی از کودکان یتیم و بدون سرپرست، از نظر اجتماعی فواید بسیاری دارد و اصل قضیه قابل انکار نیست؛ زیرا کودکان یتیم و بی‌سرپرست کنونی برای رشد می‌یابند و در جامعه رها نمی‌شوند.

اگر برای کودکان سرپرستی تعیین نشود و از تربیت صحیح محروم بمانند، در آینده و پس از رسیدن به سن نوجوانی و جوانی معضلات فراوانی را ایجاد خواهند کرد و ناهنجاری‌ها و بزهکاری‌ها افزایش می‌یابد، در حالی که باتعیین سرپرست ضمن این که از بار مسئولیت دولت کاسته می‌شود، خانواده‌هایی که از داشتن نعمت فرزند محروم هستند، چراغی برای زندگی یکنواخت و خسته‌کننده خود می‌یابند و از افسردگی و بیماری‌های روحی و روانی ناشی از نداشتن فرزند رها می‌شوند. این امر حتی می‌تواند از افزایش آمار تکان دهنده طلاق در جامعه بکاهد. فراتر از آن، از این راه با در نظر گرفتن مصالح اجتماعی، مادران این کودکان که گاه به قصد پوشیده نگاه داشتن گناه خود و گاه عدم توان تامین مخارجشان در آینده و فقر اقتصادی، اندیشه نابود کردن آن‌ها را در سر می‌پروراند، راهی تازه برای رهایی خویش و تامین سعادت فرزندانشان می‌یابند (توریان، ۱۳۹۵: ۱۳).

ضرورت یک تحقیق بیانگر این است که چرا یک محقق در یک پروسه زمانی خاص اقدام به انجام این پژوهش نموده است. تحولاتی که این اواخر در قانون فرزندخواندگی در ایران به وجود آمد و مسائل و ماده‌های جدیدی که به این قانون اضافه و مواردی که تغییر داده شد پژوهش در زمینه این تحولات و مقایسه این دو قانون را به نوعی ضروری گردانده است.

با توجه به اینکه قانون حمایت از کودکان و نوجوانان بی‌سرپرست و بدسرپرست قانون جدیدالتصویب است؛ لذا بسیاری از مباحث مذکور در این قانون موردبحث قرار نگرفته و با توجه به آثار مهمی که وجود شبهات و سؤالات موجود در این قانون به وجود می‌آورد حل این شبهات و پاسخ به آن‌ها ضروری به نظر می‌رسد.

۳- سوابق تحقیق

در خصوص این موضوع به صورت خاص مطلبی مشاهده نشده است؛ اما در مورد فرزندخواندگی منابع محدودی از مقاله، پایان‌نامه و کتاب موجود است که تعداد کتاب‌های منتشر شده به زبان فارسی به انگلستان دست هم نمی‌رسد.

کتاب "فرزندپذیری" از رضا رزاقی توسط سازمان بهزیستی کشور در سال ۱۳۸۵ منتشر شد که به منظور کمک به پیشگیری و حل مشکلات خانواده‌های فرزندپذیر که تعدادشان نیز کم نیست. باید گفت که منابع مطالعاتی بسیار اندکی در دسترس است و جمع‌آوری اطلاعات مناسب برای این خانواده‌ها چه قبل از فرزندپذیری و چه بعد از آن بسیار مهم است. تشکیل بانک‌های اطلاعاتی در این زمینه‌ی بسیار ضروری تلقی می‌شود و به عنوان یک راهکار و پیشنهاد به طور کلی ارائه خدمات مشاوره قبل از فرزندپذیری، آماده‌سازی خانواده‌ها و کودک برای ورود به این فرآیند فرزندپذیری است. هدف، کمک به خانواده‌ها و کودک جهت انطباق با این فرآیند و رفع مشکلات ناشی از آن است.

کتاب "فرزندخواندگی در اسلام"، حاصل ۷ سال تحقیق حجت‌الاسلام طامه که در مهرماه سال (۱۳۹۳) نوشته شد؛ اما مطالب تازه‌ای در آن یافت نمی‌شود و کتابی است پر از تکرار و گفتارهای نامنسجم. مهم‌ترین کشف بدیع ایشان ایجاد بانک محرمیت است که زنان شیرده متعددی که شرایط رضاع دارند به کودکان زیر دو سال در مراکز بهزیستی شیر می‌دهند تا مادر رضاعی آن‌ها شوند. در کتاب از فقه اجتماعی پویا خبری نیست.

کتاب "خرد فرزندخواندگی"، در مورد تاریخچه، واقعیت‌های فرزندخواندگی را به چالش می‌کشد که توسط روزبه دانشور در سال (۱۳۹۴)، ترجمه و نوشته شد. برای راهنمایی مسایل روحی و حس‌های فرزندخواندگی که نوشته‌ی دکتر عمارلو در آمل یک دید واقع‌بینانه منصفانه همراه با درک بیشتر از سه گروه درگیر این پروسه نوشته شده است.

مقاله‌ی "فرزند خواندگی در کنوانسیون حقوق کودک (۱۹۸۹) و مقایسه آن با حقوق ایران"، در کنوانسیون حقوق کودک فرزند خواندگی مورد قبول قرار گرفته و برای فرزندخوانده همان حقوق و حقوق طبیعی مقررات مقرر شده ایران با حق شرط و در مواردی که مغایر با موازین اسلام باشد نمی‌پذیرد و در حقوق داخلی ایران فرزندخواندگی رسمیت ندارد.

مقالات دیگری مانند وضعیت حقوقی فرزند خواندگی در حقوق ایران و مقررات بین‌المللی و تعارض قوانین تابستان (۱۳۹۴) توسط بهشید ارفعی و هادی جرفی نگاشته شده و هدف آن‌ها بررسی فرزندخواندگی و رای یک دوره مشخص و خصوصیات مکانی و زمانی خاص است.

محققان و پژوهشگران به بررسی جداگانه و هر کدام از این قانون‌ها و جنبه‌ها و ماده‌های مختلف این قانون پرداخته‌اند که در ادامه به چندین مورد از آن‌ها اشاره شده است:

مژگان، غلامرضا (۱۳۸۹) در پژوهشی به بررسی مبانی فقهی و حقوقی نسب فرزندخواندگی در اسلام و جهان پرداخته است که چکیده آن به شرح زیر است:

با توجه به دیدگاه های مختلف و شیوه های متفاوت با موضوع، پذیرفتن فرزندخوانده در یک خانواده به ایجاد روابط حقوقی منجر می شود که به ویژه در صورتی که فرزندخوانده و فرزندپذیر تبعه یک یا دوکشور بیگانه باشند و یا دارای مذهب متفاوتی باشند مشکلات عدیده ای حاصل می گردد که بر این مبنا در تحقیق حاضر، فرزندخواندگی از دیدگاه قوانین حاکم از نظر مقررات داخلی ایران نسبت به موضوع مورد بررسی قرار می گیرد بحث و بررسی موضوع مذکور می تواند از جنبه های عملی و نظری سودمند باشد. امامی (۱۳۹۰)، در مقاله ای به بررسی وضع حقوقی فرزند خواندگی در ایران پرداخته اند که چکیده آن به شرح زیر است:

فرزندخواندگی نهاد قانونی است که به موجب آن رابطه خاصی بین فرزندخوانده و پدرخوانده و مادرخوانده به وجود می آید. این امر در طول تاریخ حقوق، سابقه نسبتاً طولانی دارد و در ادوار مختلف با اهداف گوناگون مورد توجه قرار گرفته است. این تاسیس حقوقی پس از سیر تحولاتی در حال حاضر به صورت های کامل و ساده یا ناقص در حقوق کشورهای غربی با آثار متفاوت پذیرفته شده است. در ایران با وجود سابقه پذیرش این نهاد در دوران حکومت ساسانیان و اعتبار آن در نزد زرتشتیان، با نفوذ اسلام منسوخ گردید ولی به علت فواید فردی و اجتماعی و نیاز مبرم جامعه و استقرار عدالت و حمایت از اطفال بدون سرپرست تحت عنوان «سرپرستی اطفال بدون سرپرست» با آثار حقوقی مشخصی احیا گردیده است.

در پژوهشی دیگر نوریان (۱۳۹۱) ابعاد حقوقی فرزند خواندگی و تحویل اطفال به دیگری را مورد بررسی قرار داده که چکیده آن اینگونه است:

یکی از مسائل و مشکلاتی که امروزه بتدریج در حال فزونی است، معضل تحویل طفل از سوی والدین قانونی و طبیعی به متقاضیان نگهداری فرزند است که گاهی با مقاصد خیرخواهانه و از سوی ترحم و در جهت رفع مشکل عاطفی خانواده های فاقد فرزند و از سوی اقوام و بستگان آنها صورت می گیرد و گاهی به صورت غیرقانونی و خلاف اصول انسانی و حقوق بشر از طریق فروش نوزاد و دریافت وجه صورت می گیرد. این اقدامات، منجر به بی هویت نمودن این فرزندان و تغییر هویت واقعی ایشان می گردد. و بروز مشکلات اجتماعی از قبیل فقدان سند سجلی، مشکلات اداری و تحصیل و غیره و مراجعه متقاضیان به دادگستری جهت اخذ حکم سرپرستی اینگونه اطفال که امری خلاف قانون است و قرارداد دادگستری و بهزیستی در مقابل کار انجام شده و مشکلات ناشی از استرداد این گونه اطفال جهت تحویل به والدین قانونی، موضوع این مقاله است که سعی شده با نگاهی به پیشینه بحث فرزندخواندگی در اسلام و بحث خرید و فروش اطفال در مقررات بین المللی و داخلی به ابعاد مختلف این قضیه توجه و پرداخته شود.

فهیمه، عباسی (۱۳۹۲) در پایان نامه خود به بررسی تطبیقی فرزندخواندگی در حقوق ایران و هند پرداخته است که چکیده آن به شرح زیر است:

حمایت از ایتم و سرپرستی از آن ها در اسلام حایز اهمیت بوده و به جهت استحکام خانواده و رفع مشکلات اطفال بی سرپرست و کاستن ناهنجاری های روانی زوجین همواره مورد تأکید قرار گرفته است.

در این تحقیق به روش کتابخانه‌ای به گردآوری مطالب از کتب و مقالات و مراجعه به سایت و نرم‌افزار به ثبت نتایج مطالعات و طبقه‌بندی آن‌ها در رابطه با فرزندخواندگی در حقوق ایران و هند می‌پردازیم. هدف از این پژوهش بررسی جنبه‌های مختلف نهاد فرزندخواندگی در حقوق ایران و هند و وجوه مشترک و اقرار این دو مکتب حقوقی جهت رسیدن به نقاط قوت و ضعف و تدوین قوانین و تعیین رویه‌های قضایی موجود می‌باشد. که در این راستا بررسی تطبیقی وضعیت حقوقی فرزندخواندگی و مطالعه شرایط لازم برای سرپرست و طفل ضروری به نظر می‌رسد.

- حضرت (۱۳۹۲) در مقاله‌ای تحت عنوان فرزندخواندگان ارث می‌برند؛ زنان مجرد صاحب فرزندخوانده می‌شوند اصلاحات نهایی قانون فرزندخواندگی در بهزیستی که به شورای نگهبان فرستاده شده را مورد بررسی قرار داده است.
- هوشیار (۱۳۹۳)، در پژوهشی فرزندخواندگی کودکان بی‌سرپرست در نظام حقوقی ایران را تشریح کرده است.
- مبین (۱۳۹۴)، دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی تحولات فرزندخواندگی در نظام حقوقی اسلام، ایران و فرانسه را مورد مطالعه تطبیقی قرار داده است.
- در پایان‌نامه کارشناسی ارشد فخری (۱۳۹۵)، فرزندخواندگی در کنوانسیون حقوق کودک ۱۹۸۹ با نگاهی بر حقوق ایران بررسی شده است.

۴- اهداف تحقیق

الف. هدف اصلی

یافتن پاسخ به سؤالاتی که پاسخ به آن‌ها بسیاری از شبهات در خصوص اجرای قانون را رفع می‌کند.

ب. هدف کاربردی

در صورت بررسی و مطالعه‌ی نتایج این پژوهش مخصوصاً توسط مؤسسات حقوقی و دانشگاه‌ها و دفتر مطالعات پیشگیری از وقوع جرایم قوه قضائیه و با تلفیق تدابیر ملی و بین‌المللی می‌توان گام مؤثری در قوانین مرتبط با فرزندخواندگی برداشت.

۵- سؤالات تحقیق

الف. سؤال اصلی

تأثیر سلب سرپرستی بر روابط فی‌مابین سرپرست و فرد تحت سرپرستی چیست؟

ب. سؤال فرعی

- انتقال مال، هویت شناسنامه ازدواج، مسئولیت مدنی و سایر امور، پس از سلب فرزندخواندگی به چه صورت است؟
- تشریفات قانونی سلب فرزندخواندگی به چه صورت است؟

۶- فرضیه تحقیق

الف. فرضیه اصلی

سلب سرپرستی بر روابط فی مابین سرپرست و فرد تحت سرپرستی تأثیرگذار است.

ب. فرضیات فرعی

- سلب سرپرستی باعث انقطاع روابط مالی سرپرست با فرزند خوانده می‌شود.
- سلب سرپرستی باعث انقطاع روابط غیرمالی سرپرست با فرزند خوانده می‌شود.

۷- سامان‌دهی تحقیق

این پژوهش مشتمل بر چهار فصل است؛ که در فصل اول به بررسی کلیات تحقیق پرداخته شده است. در فصل دوم حقوق و تکالیف فرزندخوانده و سرپرست قبل از سلب فرزندخواندگی بررسی شده، در فصل سوم نیز، شرایط و نحوه‌ی سلب فرزندخواندگی بیان شده و در نهایت در فصل چهارم آثار سلب فرزندخواندگی بررسی شده است.

۸- روش تحقیق

هر تحقیقی به عنوان یک جست‌وجو یا بررسی سازمان‌یافته، منظم و متکی به داده‌ها، به صورت نقادانه و علمی در زمینه‌ی یک مشکل ویژه تعریف می‌شود که با هدف پاسخ‌یابی یا راه‌حل‌یابی مسئله‌ای ویژه یا مسایلی مهم صورت می‌گیرد. انتخاب یک روش تحقیقی مناسب، محقق را تا حد زیادی در پیشگیری از بروز اشتباهات یاری می‌کند. در حقیقت تحقیق، اطلاعاتی را فراهم می‌کند تا بتوان بر پایه آن تصمیم‌گیری کرد و مسایل را حل کرد (سکاران، ۱۳۹۰: ۲۲).

هدف از روش تحقیق چگونگی انجام مراحل مختلف یک تحقیق است. روش تحقیق به عنوان یک فرآیند نظام‌مند برای یافتن پاسخ به یک پرسش و یا راه‌حل یک مسئله است. در این قسمت از پژوهش، محقق به توضیح چگونگی روش تحقیق و چگونگی گردآوری اطلاعات، انتخاب جامعه آماری و روش نمونه‌گیری، نحوه‌ی استفاده از ابزارها، تجهیزات و وسایل مورد استفاده برای انجام تحقیق منطبق با ماهیت پژوهش می‌پردازد.

روش تحقیق، در هر پژوهش با توجه به نوع موضوع مشخص می‌شود. پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات بنیادی است و از نوع تحلیلی-توصیفی می‌باشد و از نظر چگونگی به دست آوردن داده‌های موردنیاز از نوع غیرآزمایشی می‌باشد.

گردآوری اطلاعات مورد نیاز تحقیق یکی از مراحل اساسی آن است. مرحله‌ی گردآوری اطلاعات آغاز فرایندی است که طی آن محقق یافته‌های میدانی و کتابخانه‌ای را گردآوری می‌کند و به روش استقرائی به فشرده‌سازی آن‌ها از طریق طبقه‌بندی و سپس و فرضیه‌های تدوین شده خود را مورد ارزیابی قرار

می‌دهد و در نهایت حکم صادر می‌کند و پاسخ مسئله تحقیق را به اتکای آن‌ها می‌یابد. چهار ابزار عمده برای جمع‌آوری داده‌ها وجود دارند که عبارتند از:

- بررسی مدارک و اسناد
- مشاهده
- مصاحبه
- پرسشنامه

در این تحقیق، برای گردآوری ادبیات موضوع از روش فیش‌برداری از کتب و مقالات و از اسناد و قوانین و تشکیلات مصوب استفاده شده است. با استفاده از نرم‌افزارهای موجود در حوزه‌ی فقه و قوانین مصوب ایران و رجوع به پایگاه‌های اطلاعاتی و مطالعات کتابخانه‌ای در دسترس، اطلاعات و مواد خام تحقیق گردآوری شده، یادداشت‌برداری و تنظیم مباحث صورت گرفته است. سپس بر اساس طرح عنوانی تحقیق و رعایت نظم منطقی، تألیف انجام شده است و در نهایت با استفاده از اصول و قواعد علمی مسلم با رویکرد حقوقی، توصیف و بدون هرگونه دخالت گرایش‌های فکری، نتایج عینی استخراج شده‌اند.

مشخص کردن جامعه‌ی آماری یکی از ضروریات و اصول هر پژوهش به شمار می‌آید. محدوده و فضای مطلوب ما جامعه‌های آماری را معین و مشخص می‌کند؛ بنابراین جامعه‌ی آماری عبارتست از: «تعدادی از عناصر مطلوب مورد نظر که حداقل دارای یک صفت مشخصه باشند». و نیز صفت مشخصه، صفتی است که بین همه‌ی عناصر جامعه آماری مشترک و متمایزکننده‌ی جامعه از سایر جوامع باشد (هومن ۱۳۸۹: ۱۰).

همچنین نمونه‌گیری به روش‌های منظم انتخاب، اطلاق می‌شود و در تحقیقات اجتماعی برای انتخاب افراد یا موردهای تحقیق بکار می‌رود. دلیل نمونه‌گیری هم بسط معرف بودن موردهای تحقیق است (بیکر ۱۳۸۶: ۱۶۲). نمونه باید معرف جامعه آماری باشد تا بتوان پارامتر جامعه را از طریق ارزش نمونه‌ای برآورد کرد (ساعی ۱۳۸۷: ۲۷).

در پژوهش حاضر، به دلیل اینکه تأثیر سلب فرزندخواندگی در روابط بین فرزندخوانده و سرپرست و قوانین مرتبط با آن بررسی می‌شود؛ و از آنجایی که برای گردآوری ادبیات موضوع از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ بنابراین جامعه آماری وجود ندارد و با توجه به اینکه جامعه آماری وجود ندارد نمونه‌گیری صورت نمی‌گیرد.